

آسیب‌شناسی اجتماعی - دانشجویی

حجت الاسلام حمید پورعیسی (درگیلان)

اشاره ۵: بحث آسیب‌شناسی اجتماعی - دانشجویی، نیاز امروز جامعه جوان کشور ماست که توسط استاد و پژوهشگر دانشگاه حجة الاسلام آقای حمید پورعیسی به صورت سلسله مقالات چاپ می‌شود مسئولان و برنامه‌ریزان کشورمان به این گونه پژوهش‌ها که بر پایه اصلاح جامعه هست با نگاهی مثبت به روند نهادینه شدن ارزش‌های اخلاقی در مؤسسات آموزشی بنگرند. آنچه که در ادامه می‌آید قسمت اول از بحث آسیب‌شناسی اجتماعی - دانشجویی است: عزیزانی که نظر و مطالبی در این زمینه دارند می‌توانند مطالب خود را به دفتر ماه‌نامه پادنگ به آدرس پستی مجله ارسال فرمایند.

قسمت اول:

باید اذعان داشت که انسان‌ها در فراز و نشیب‌های تاریخ همیشه از دردها و آسیب‌های اجتماعی بسیاری رنج برده است و همواره در جستجوی یافتن علل و انگیزه‌های آن‌ها بوده است تا راه‌ها و شیوه‌هایی را برای رهایی از آنها بیابد. از مجموعه این آگاهی‌ها و تجربه‌ها و آموخته‌ها، توانسته است زمینه‌های مطالعاتی و رشته‌های مختلفی را برای تبیین بی‌هنجاری‌ها و نابسامانی‌های زندگی اجتماعی پی‌ریزی کند. حاصل این کار پدیدایش دانش آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات) است.

۱- شناخت آسیب‌شناسی:

انسان موجودی است که در سایه حیات اجتماعی به زندگی انسانی رسیده است. اگر حیات اجتماعی از حیات او حذف شود هرگز موفق نخواهد شد خویش را بسازد و به اصول و ضوابط مدنیت و حقوق آشنا و یا بدان عامل شود. تفاوت اساسی که بین حیات گروهی و اجتماعی انسان با دیگر گروه‌های حیوانی که به صورت دسته جمعی زندگی می‌کنند؛ در این است که عامل پدید آورنده حیات اجتماعی انسان، اندیشه و تعقل است، در حالی که برای حیوان عامل اصلی و اساسی، غریزه و یا هدایت تکوینی و الهی است. انسان‌ها در سایه عقل و فکر گرد هم آمده‌اند، نیازهای معنوی و مادی خود را شناختند و در جهت تحقق اهداف

اصولاً انسان موجودی اجتماعی و از هنگام تولد نیازمند انسان‌های دیگر است. این نیاز شامل نیاز جسمانی، اقتصادی و اجتماعی می‌شود. یعنی بر خلاف موجودات دیگری است که ممکن است به شکل گروهی زندگی کند و تنها به علت نیاز بیولوژیکی در گروه باقی نمی‌ماند. زندگی گروهی انسان خیلی پیچیده‌تر از موجودات دیگر است. در اثر زندگی گروهی روابط اجتماعی انتزاعی و مجموعه مشترکی از مفاهیم که معانی مشترک دارند، مبدل به نماد می‌شود و ارتباط میان انسان‌ها از طریق این نمادها برقرار می‌شود. در گروه انسانی روابط اجتماعی حاصل کنش متقابل اجتماعی مکرری است که مبدل به اشکال گوناگون نظم، وظایف و انتظارات متقابل می‌شود. در این کنش متقابل انسان اعمالش را با در نظر گرفتن آن چه انتظارات دیگران محسوب می‌شود؛ انجام می‌دهد.

رفتار او به این معنی است که از دیگران هم انتظار دارد که اعمال او را در نظر بگیرند. در اثر تجربه گروهی انسان‌ها به یکدیگر وابسته می‌شوند. در واقع اهمیت وابستگی انسان به گروه، زمانی آشکار می‌شود که تماس فرد با گروه قطع می‌شود مثل زندان انفرادی که معمولاً زندانی‌ها معتقدند شدیدترین شکل تنبیه است.

مشترک و بر آوردن نیازهای اساسی خود، با نظم و ترتیبی دقیق به همکاری پرداختند.

حیات اجتماعی در مواردی به انگیزه و دلایلی دچار اختلال و عوارضی در حیات می‌شود که این عارضه و اختلال را درد اجتماعی یا آسیب اجتماعی می‌گویند.

۲- معنایابی آسیب‌شناسی اجتماعی: (۱)

۲-۱- آسیب‌شناسی اجتماعی، مفهوم جدیدی است که: از علوم زیستی به عاریه گرفته شده و مبتنی بر تشابهی است که دانشمندان بین بیماری عضوی و انحرافات اجتماعی قایل می‌شوند. در واقع با شکل‌گیری و رشد جامعه‌شناسی در قرن نوزدهم میلادی بهره‌گیری از علوم مختلف برای بیان فرآیندهای اجتماعی معمول شد و در نتیجه بسیاری از اصطلاحات و واژه‌های رایج در علوم دیگر چون زیست‌شناسی، علوم پزشکی، زمین‌شناسی و مانند آن در جامعه‌شناسی نیز به کار گرفته شد که از آن جمله کلمه آسیب‌شناسی (Pathology) را می‌توان نام برد. این واژه ریشه یونانی $Path = Patho$ به معنی رنج، محنت، احساسات و غضب و $Logy$ به معنای دانش و شناخت ترکیب یافته است. بنابراین Pathology به معنای ناخوش‌شناسی، مرض‌شناسی، علم تشخیص امراض، مطالعه و علایم غیرعادی به کار می‌رود.

۲-۲- آسیب‌شناسی در اصطلاح علوم طبیعی عبارت است: از مطالعه و شناخت ریشه بی‌نظمی‌ها در ارگانیسم‌های انسانی بنابراین در مشابهت کالبد انسانی با کالبد جامعه اصطلاح آسیب‌شناسی اجتماعی (Social pathology) برای مطالعه و ریشه‌یابی بی‌نظمی‌های اجتماعی و انحرافات و بیماری‌های اجتماعی به کار می‌رود.

۲-۳- مقاصد و وظایف آسیب‌شناسی عبارتند از:

الف) مطالعه و شناخت آسیب‌های اجتماعی و دلایل پیدایش آن‌ها

ب) پیش‌گیری از وقوع جرم و انحراف در جامعه به منظور به‌سازی محیط زندگی جمعی و خانوادگی

ج) درمان کج‌روی اجتماعی یا به کارگیری روش‌های علمی و استفاده از شیوه‌های مختلف مناسب، برای قطع ریشه‌ها و انگیزه‌های این کج‌روی

د) تداوم درمان برای پیش‌گیری و جلوگیری از بازگشت مجدد انحرافات اجتماعی.

در واقع آسیب‌شناسی اجتماعی، مطالعه ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی نظیر بی‌کاری، اعتیاد، فقر، خودکشی، روسپی‌گری، طلاق، ول‌گردی، گدایی، بی‌بند و باری و ... همراه با علل و شیوه‌های پیش‌گیری و درمان آن‌ها به انضمام مطالعه شرایط بیمارگونه و نابسامان اجتماعی (۲) (Anomie) است. خاستگاه این علم مطالعه اختلال‌ها، بی‌نظمی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی است یعنی اگر در جامعه هنجارها مراعات نشود، کج‌روی پدید می‌آید و رفتار آسیب می‌بیند و مطالعه علمی این گونه نابسامانی‌ها و ناسازگاری‌ها را در جامعه انسانی آسیب‌شناسی اجتماعی می‌گویند.

۲-۴- رفتار انحرافی (کج‌رفتاری): به مفهوم رفتاری است که به طریقی با انتظارات رفتاری مشترک یا گروه خاص سازگاری

ندارد و دیگر اعضای جامعه آن را ناپسند یا نادرست می‌دانند. در واقع هر جامعه از اعضای خود انتظار دارد از ارزش‌ها و هنجارها تبعیت کند اما همواره عده‌ای پیدا می‌شوند که پاره‌ای از این ارزش‌ها و هنجارها را رعایت نمی‌کنند، شایان ذکر است که انحراف‌های اجتماعی به انحراف‌های فردی و گروهی، آگاهانه، ناآگاهانه، طبیعی و سازنده قابل تقسیم‌اند.

کج‌رفتاری از دیدگاه جامعه‌شناسی هر رفتار غیرمعمول می‌شود و حتی بیماری روانی را نیز در بر می‌گیرد و در مجموع انحرافات اجتماعی را شکل می‌دهد که طیف وسیعی از رفتارهایی را شامل می‌شود که علت تأثیر عوامل گوناگون واقع می‌شوند.

«مرتن» در تعریف رفتار کج‌رو می‌گوید: «رفتاری است که به شکلی آشکار با هنجارهایی که برای پایگاه‌های اجتماعی افراد تعیین شده متفاوت است».

۳- مفهوم آسیب‌شناسی دانشجویی:

با تبیین مفهوم آسیب‌شناسی اجتماعی، می‌توان آسیب‌شناسی دانشجویی را به عنوان یکی از مقولات زیرمجموعه آسیب‌شناسی به حساب آورد. زیرا دانشجوی، قشری از اقشار جامعه است که با مشخصه ورود به دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی برای تحصیل و ورود به نظام مدیریتی و چرخه اقتصاد و صنعت، آموزشی و تربیت جامعه شناخته می‌شود.

آسیب‌شناسی دانشجویی در صدد مطالعه و شناخت و پیش‌گیری و جلوگیری از بحران‌های مربوط به این قشر و ممانعت از بازگشت این بحران‌ها که با انتظارات دانشجویی و دانشگاهی سازگاری ندارد، هست.

امروزه آسیب‌های دانشجویی و دانشگاهی از جمله مقوله‌هایی است که در محیط‌های علمی و جوامع دانشگاهی کمتر به آن اهمیت داده می‌شود. اصولاً شاید یکی از عوامل کم‌توجهی یا بی‌اهمیت جلوه دادن این موضوع، برخورداری از یک منزلت و شأنیت خاصی است. که البته این موضوع نباید ما را از نگرش واقع‌بینانه نسبت به این قشر فریخته باز بدارد.

همه ما آگاه هستیم که همه محیط‌ها و فضاها مختلف اعم از آموزشی و غیره، به نوعی با برخی از آسیب‌های عام و خاص مواجه هستند. جوامع دانشگاهی هم از این امر مستثنی نیستند.

۴- اهمیت آسیب‌شناسی دانشجویی:

در خصوص ارزش و اهمیت این موضوع، باید به متعلق آن نگریند که مسأله دانشجوی و دانشگاه است. ارزشمندی و عظمت این قشر و جایگاه او به جهت والایی علم و دانش بر کسی پوشیده نیست. دانشجوی و دانشگاهی از آن جهت از منزلت و مقام والایی برخوردار است که لباس مقدس علم و دانش را بر تن کرده است و مشخصه او نماد و سمبلی از ارزش‌ها و والایی‌ها و فضایل است. او طلایه‌دار و پرچم‌دار حرکت، رشد، پیشرفت و توسعه در جامعه انسانی است، از رسالت‌های بزرگ

۱- ستوده - هدایت... - آسیب‌شناسی اجتماعی - ص ۱۳

۲- Anomie به شرایط آشفته و مغشوش در جامعه گفته می‌شود که هنجارها ضعیف، ناپدید و یا در تضاد با یکدیگر قرار گرفته باشند.

او رساندن انسان‌ها به قله رفیع انسانیت و مقام والای خلیفه الهی است. او امانت‌داری است که خداوند امانت الهی را به او سپرده است.

قرآن کریم در برتری و مقام والای عالمان و دانشجویان می‌فرماید:

هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون انما یتذکر اولوالالباب (سوره زمر - ۹)

سوال قرآن از نسخ استفهام نیست بلکه جهت تعیین مسأله است به این معنا که هیچ کس ذره‌ای شک و تردید نمی‌تواند به خود راه دهد که انسان آگاه با انسان ناآگاه و جاهل برابر نیست. چنانچه در آیات دیگر علم را به نور و روشنایی و جهالت را به ظلمت‌کده و تاریکی تشبیه کرده است. همان سان که در تشبیه دیگری مسأله بینایی و عدم بینایی را آورده است و می‌فرماید: ما یستوی الاعمی والبصیر ولا الظلمات ولا النور ولا الظل ولا الحور

که این‌ها بیان‌گر ارزشمندی این قشر و گروه از افراد جامعه است.

وجود ذی‌قیمت عالمان و دانش پژوهان به منزله چراغ‌های فروزان هدایت جامعه‌اند. صدمات و آسیب‌های وارده بر این روشنایی، به یقین مردم را بی‌بهره از فضایل و کمالات خواهد کرد که نتیجه آن باز شدن مسیرهای سقوط و انحراف در جامعه خواهد بود.

اندیش‌مندان و دانش‌مندان، فرزندان و فرهیختگان جامعه‌اند. آن‌ها به منزله ستون‌های محکم خیمه اجتماع و دیوارهای آهنین در مقابل شبهات و هجوم‌های فکری فرهنگی بیگانگان‌اند.

که قرآن در شأنیت آنها فرمود:

و ما یعلم تأویل الا الله والراسخون فی العلم (آل عمران)
که پی بردن به اسرار در آیات خدا و رسیدن به رمز و راز از عالم هستی را به عالمان و اندیشمندان نسبت می‌دهد. در سوره عنکبوت - ۴۹ می‌فرماید:

بل هو آیات بینات فی الصدور الذین اتوالعلم
کلام هدایت‌گرو سخن اعجاب‌انگیز خود را آیه و نشانه‌ای در دل‌های اهل علم بیان می‌کند و می‌فرماید:

«بلکه قرآن نشانه‌های روشن و آشکاری است در سینه‌های مردمی که علم و دانش به آن‌ها ارزانی شده است.» چنانچه قرآن در سوره سبأ - آیه ۶ می‌فرماید:

و یری الذین اتوالعلم الذی انزل الیک من ربک هو الحق و یهدی الی صراط العزیز الحمید

«و کسانی که از دانش و علم بهره یافته‌اند، می‌دانند که آن چه از جانب پروردگار تو به سوی تو نازل شده، حق است و به راه آن عزیز ستوده راهبری می‌کند.»

اهمیت و عظمت علم و دانش و به تبع آن مقام دانشجویی تا جایی است که خداوند بزرگ به ابزار و وسایل علم و عالمان قسم یاد می‌کند و در سوره (ن) می‌فرماید:

ن و القلم و مایسطرون - سوگند به قلم و آن چه می‌نویسد. و در سوره مجادله - ۱۱ رفعت مقام، داشتن منزلت اجتماعی عالی و بلند را از آن دانشمندان و قشر تحصیل کرده

معرفی می‌کند و می‌فرماید:

«یرفع الله الذین آمنوا منکم و الذین آمنوا منکم والذین اتوالعلم درجات»

«خدا به آنان که در جمع شما جامع بشری، به حق ایمان آورده‌اند و نیز به آنان که از علم و دانش بهره‌مند هستند رفعت مقام اعطا می‌کند تا در ظل (سایه) چنین مقام رفیعی از سایر مردم، ممتاز باشند.»

با توجه به مطالب فوق اهمیت پرداختن و نگارش در این موضوع بر کسی پوشیده نیست زیرا استواری و استحکام و پایداری آیین، فرهنگ‌ها، دین و قوانین بر اساس تعلیم، پرورش، آموزش جامعه پایه‌گذاری شده است و جامعه بشری از طریق دانش و خروج از ظلمت‌کده جهل و نادانی می‌تواند از کسادی و نابودی کالا و سرمایه‌های علمی پیشگیری کند و این وظیفه مهم و اساسی به عهده فرزندان و اندوختگان علمی گذاشته شده است.

آن‌ها حامل علم و کالای معارف و معلومات هستند لذا حراست و حفاظت از این منطقه صعود انسانی و پیشرفت‌های مادی و معنوی که سرزمینی پر حاصل و محصول آن مایه نجات جامعه بشری است امری واجب و شناخت عوامل تهدید کننده و ویروس‌های تخریب‌زا در این محیط از اهم واجبات است.

۵- پیامدها و ره آوردهای آسیب‌های اجتماعی: (۱)

۱- گسیختگی فرهنگی:

گسیختگی فرهنگی یعنی ناتوانی در نحوه انتقال تجربه‌ها و عناصر و ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی از گذشته به حال.

دانشگاه و دانشجو به عنوان دو عنصر اصلی و اساسی فرهنگی و فرهنگ‌ساز یک جامعه نقش موثر و به سزایی در انتقال اجزا و عناصر فرهنگی به نسل‌های آینده دارند. علاوه بر آن در پایداری و استحکام و بقای فرهنگی نقش اساسی را در جامعه و حیات اجتماعی انسان‌ها ایفا می‌کند. دگرگونی‌ها، تغییرات در محیط‌های دانشگاهی به سرعت در جامعه اثرگذار است، روند تغییر و تحول در شدت و ضعف یا میزان تثبیت مسایل فرهنگی در دانشگاه و محیط‌های عالی، در روند تغییرات جامعه تأثیر می‌گذارد.

این گسیختگی فرهنگی می‌تواند در ارتباط با آداب و رسوم، عادات، ارزش‌های خانوادگی، اجتماعی یا کشوری و جهانی باشد.

۲- بی‌اعتمادی:

بی‌اعتمادی پدیده‌ای است روان شناختی که فرد اطمینان به خود را از دست می‌دهد و به ناتوانی خود اذعان دارد. پدیده بی‌اعتمادی توان حرکت و خلاقیت را از شخص یا گروه می‌گیرد و او را به موجودی بی‌تحرك، خشنی و فاقد معیار تبدیل می‌کند. آسیب‌های اجتماعی عاملی برای ایجاد بی‌اعتمادی و سردرگمی برای فرد و جامعه هستند. اگر محیط‌های دانشجویی و دانشگاهی که مرکز صدور نیروی انسانی و تأمین کننده نیروهای مدیریتی جامعه و مؤثر در پایداری، تثبیت، تحول، اصلاح فرهنگ جامعه هستند، دچار اختلافات رفتاری -

گفتاری شوند و نتوانند هدایت جامعه جهت پیشرفت، ترقی، اصلاح و پایداری را به عهده بگیرند، به یقین زمینه‌های بی‌اعتمادی فردی و اجتماعی به وجود خواهد آمد. یعنی هم دانشجوی و دانشگاهی سرخورده و نسبت به خود بی‌اعتماد خواهد شد و هم جامعه چشم امید خود را از این محیط‌های عالی خواهد بست، در نتیجه جامعه‌ای که بالاترین و اساسی‌ترین مرکز صدور نیروهای انسانی نیرومند و سازنده و تقویت کننده روح و فرهنگ خود را از دست بدهد آن جامعه، جامعه‌ای مرده خواهد شد. لذا باید شاهد تشییع جنازه آن جامعه باشیم.

این جامعه، جامعه‌ای وابسته و زیرسلطه خواهد بود. همه منابع طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و انسانی آن برای بهره‌برداری دیگران خواهد بود. خصوصاً این که از خصوصیات این نوع جوامع مصرف‌گرایی و مصرف‌زدگی در همه امور خواهد شد.

واپس‌مانی، بدبینی، بی‌اعتمادی عمومی، گسست فرد از جامعه و عدم استفاده جامعه از افراد، بی‌علاقگی نسبت به امور از ویژگی‌های این نوع جوامع است که همه این‌ها ناشی از آسیب‌های اجتماعی است.

این امر در امنیت اجتماعی نقش مؤثری دارد. وقتی اعتماد تک‌تک افراد نسبت به یکدیگر و مجموعه آن‌ها نسبت به جامعه سست شود، اتحاد، پیوستگی ملی حتی به قیمت کسب امنیت فردی به طور جدی به خطر می‌افتد.

در این دوران بحرانی هر کسی در صدد حفظ و مراقبت از خود خواهد شد، زیرا در دوران بی‌اعتمادی، وضعیتی هم چون نزول معیارهای اخلاقی فرد، نادیده گرفتن معیارهای جمعی، تجاوز به حقوق دیگران برای بقای فردی، تجاوزگری گروهی، نادیده انگاشتن وجود دیگران بروز می‌کند و ظهور چنین روی‌کردی به یقین روی‌کردی ضدامنیتی و اختلال در نظم اجتماعی خواهد بود.

۵-۳- از خود بیگانگی: (الیته شدن)

از خود بیگانگی (Alienation) یعنی بیگانه شدن افراد از خودشان و یا با دیگران به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن مردم اختیار خود را درباره اجتماعی که خود به دست آورده‌اند از دست می‌دهند و در نتیجه آن، خود را در یک محیط اجتماعی خصمانه، بیگانه می‌یابند. این پدیده از دیدگاه جامعه‌شناختی به معنی از هم گسیختن پیوند بین فرد با دیگران یا بی‌زاری در احساس و دور افتادگی یا جدایی فرد از دیگران، از کشور و یا از خداست.

شخص از خود بیگانه غریبه‌ای است که خود را دور از مرکز خودی احساس می‌کند. خالق اعمال خود نیست، وابستگی، تعلق، احساس ضعف در افراد از خود بیگانه وجود دارد.

نتیجه از خود بیگانگی در افراد را که نتیجتاً جامعه فرد و زیان آن را خواهد دید در موارد ذیل می‌توان نام برد:

۱- احساس بی‌قدرتی و ناتوانی: یعنی افراد قادر به تأثیرگذاری در جامعه نیستند، رفتاری نامطلوب و نوعی بی‌تفاوتی و

بی‌علاقگی در افراد بروز می‌کند.

۲- احساس پوچی و بیهودگی: احساسی است که شخص تصور می‌کند که برای رفتارها و باورهای خود خطوط راهنمایی در اختیار ندارد. چندان رضایتی از رفتارهای خود ندارد.

۳- بی‌معیاری (Normlessness): حالتی است که فرد برای رسیدن به هدف‌های ارزنده خود نیاز به وسایل نامشروع دارد. یا کنش‌هایی او را به حوزه‌های هدف نزدیک می‌کند که مورد تأیید جامعه نیست.

۴- انزوای اجتماعی و جامعه‌گریزی (isolation): حالتی است که فرد احساس می‌کند با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه بیگانه است یعنی شخص احساس تنهایی می‌کند و احساس می‌کند با کسی یا جمعی ارتباط ندارد.

در این صورت اعتقادی به شیوه کارکرد جامعه، روابط حاکم و هدف‌های خرد و کلان جامعه ندارد. چون نمی‌تواند فعالانه وارد جامعه شود، گوشه‌نشینی، و انزوارا اختیار می‌کند، تا خود را از مرکز جامعه به حاشیه بکشاند.

۵- جدایی از خویش: در این حالت شخص از باورها، ارزش‌ها و علائق‌های درونی جدا شده و احساس بیگانگی می‌کند. نمی‌تواند تصویری درست از خود ارائه دهد، لذا حیات خود را در خطر می‌بیند، خود را فردی بی‌روح و بی‌جان و خالی از محتویات درونی احساس می‌کند.

آسیب‌های اجتماعی نقش مؤثری در بیگانگی درونی فرد دارند، ناهنجاری‌ها، نابسامانی‌ها، ابتلای افراد به گناه و ارتکاب به جرایم آن‌ها را تهی و به عنوان یک موجود بی‌خاصیت معرفی می‌کند.

۶- آسیب‌های اجتماعی از نگاه آمار: روند رو به رشد آسیب‌های اجتماعی در ایران موجب شده است تا اخبار اختصاص یافته به این معضل با رشد دو برابری مواجه شود، به گونه‌ای که در فروردین سال ۱۳۸۲، ۱۴۴ عنوان مطلب در نشریات کشور به آسیب‌های اجتماعی پرداخته‌اند. این در حالی است که در فروردین ۱۳۸۳ این تعداد به ۲۶۳ عنوان افزایش یافته است.

براساس آمارهای موجود، میزان اخبار و مطالب منتشر شده در رابطه با آسیب‌های اجتماعی در فروردین ۱۳۸۳ در نشریات کشور مقام اول را داشته و پس از آن اخبار و مطالب اجتماعی درج شده در روزنامه‌ها با ۱۲۰ عنوان مقام دوم را به خود اختصاص داده است. آمار شورای فرهنگی - اجتماعی زنان نشان می‌دهد خشونت به عنوان یکی از شاخه‌های آسیب‌های اجتماعی در این ماه با ۸۷ عنوان در نشریات مورد توجه قرار گرفته است. از سوی دیگر بر اساس تعداد مراجعه کنندگان به خط احیای تشکل غیردولتی آسیب دیدگان اجتماعی، ایدز بالاترین آمار مراجعه کنندگان را به خود اختصاص داده است.

تحقیقات انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد که فقر، بی‌کاری، جمعیت رو به رشد کشورهای فقیر و عدم تأمین نیازهای اولیه اعضای خانواده از عواملی هستند که

زمینه‌های رشد فحشا را فراهم می‌آورند؛ اما این یک قانون ثابت نیست، هم چنان که آسیب شناسان معتقدند گذار از جوامع سنتی به مدرنیسم عامل مهمی در گسترش ناهنجاری‌ها و فساد در جامعه به شمار می‌رود.

یکی از عوامل نگران کننده در جامعه ما سن ارتکاب جرم است، به گونه‌ای که بر اساس آمارهای موجود، سن ارتکاب جرم در ایران به شدت پایین آمده است. سن اعتیاد به ۱۵ تا ۱۶ سال و ارتکاب به چاقوکشی، قداره‌بندی و اوباش‌گری نیز به ۲۰ تا ۲۵ سال رسیده است.

یافته‌های یک تحقیق با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی موثر بر انحرافات زنان» نشان داد که رابطه‌های نامشروع با ۳۶ درصد در رأس آمار فساد و فحشا قرار دارد. پس از آن مواد مخدر با ۱۰ درصد، کلاهبرداری با ۷ درصد، جعل سند با یک درصد و سایر جرایم با ۳ درصد در ردیف‌های بعدی قرار دارند. جالب آن که متأهلان با ۸۳/۸ درصد بیشترین جرم‌ها را مرتکب شده‌اند. یکی دیگر از بحث‌های جدی آسیب‌های اجتماعی سرقت است که امروزه گزارش‌های فراوانی را می‌توان در این مورد شنید، به گونه‌ای که تنها در فروردین ماه سال جاری، ۱۵ عنوان خبر و مطلب در روزنامه‌های سراسری در این مورد درج شده است.

تحقیقاتی که در سال ۱۳۸۰ در مورد نوجوانان بزهکار زندانی انجام شده، نشانگر این مطلب است که ۱/۰۶ درصد از زندانیان بزهکار کمتر از ۱۹ سال دارند که ۹۲ درصد از آنان پسر و ۸ درصد دختر هستند. بزهکاران پسر با ۴۷/۷ درصد سرقت، بیشترین جرم را از میان سایر جرایم مرتکب شده‌اند و بعد مواد مخدر با ۲۱/۶ درصد و اعمال منافی عفت با ۷/۱۰ درصد در مراحل بعدی قرار دارند.

این در حالی است که در میان دختران بیشترین جرم مربوط به اعمال منافی عفت است. در سال ۱۹۹۹ آماري ارایه شده است که در آن ایران کمترین آمار خودکشی را در مقایسه با کشورهای دیگر در بین مردان به خود اختصاص داده است، اما همین آمار نشانگر آمار بالای خودکشی زنان در ایران در مقایسه با کشورهای همانند مکزیک، شیلی و کلمبیاست.

بر اساس تحقیقات انجام شده ۱۵۱ پرونده در رابطه با خودکشی زنان ۱۷ ساله و کمتر در سال ۱۳۸۰ تشکیل شده است و این عمل در بین زنان ۱۸ تا ۲۴ ساله ۵۰۲ مورد اتفاق افتاده است. در مجموع در سال ۱۳۸۰، ۲ هزار و ۸۴۰ زن با روش‌های مختلف (حلق آویز کردن، مسمومیت، خودسوزی و ...) دست به خودکشی زده‌اند.

فساد و فحشا از دیگر عناوین آسیب‌های اجتماعی هستند که در چند سال اخیر بحث داغ رسانه‌های خبری بوده است. تحقیقات صورت گرفته در زمینه فساد و فحشا نشان می‌دهد داشتن روابط نامشروع، بالاترین آمار فساد در جامعه بوده

است. در همین تحقیقات آمده است که حدود یک سوم از زنانی که مرتکب این جرم می‌شوند، دارای تحصیلات ابتدایی بوده‌اند، در حالی که بیشتر دختران دارای تحصیلات دبیرستانی بوده و بیشتر زنان یک فرزند داشته یا بی‌فرزند بوده‌اند؛ اگرچه در وضعیت اقتصادی بدی نیز به سر می‌برده‌اند. فرار از خانه را می‌توان به عنوان یکی از عوامل شایع کنونی در بحث آسیب‌های اجتماعی گنجانند. این معضل به قدری وسیع و گسترده است که فقط در یک همایش از سرگردانی ۳۵ هزار کودک خیابانی، آن هم فقط در شهر تهران خبر داده شد. از سال ۱۳۷۸ تا پایان خرداد ۱۳۸۱، ۱۰ هزار و ۳۵ کودک خیابانی فقط در مراکز بهزیستی پذیرش شده‌اند. در یکی از تحقیقات انجام شده و یک آمار غیررسمی خبر از وجود یک میلیون و ۲۰۰ هزار کودک خیابانی داده شده است.

تحقیق دیگری به علل و انگیزه‌های فرار زنان از خانه پرداخته است و آمار در این تحقیق نشان می‌دهد ۶۴ درصد از دختران فراری از رفتار مادر یا جانشین وی رضایت ندارند و ۴۱/۵ درصد از رفتار پدران خود ناراضی هستند و ۶۲ درصد اعتقاد دارند که نیازهای اساسی آنان از سوی والدین برآورده نشده است.

تحقیق دیگری در خصوص دختران فراری نشان داده است که نیمی از دختران فراری سابقه فرار داشته‌اند.

در همین تحقیق و در مورد علل فرار دختران آمده است که ۳۶ درصد از دختران فراری با پدر خود اختلاف داشته و از دست او کتک خورده‌اند، ۵ درصد از آنان به دلیل اختلاف با برادر و کتک خوردن از دست او فرار کرده‌اند، ۱۵ درصد از دختران فراری با مادر خود اختلاف داشته‌اند و ۳ درصد از آنان ازدواج اجباری کرده‌اند.

نتایج مطالعات انجام شده در این زمینه خوشایند به نظر نمی‌رسد و افزایش این پدیده را در سطح جامعه نشان می‌دهد. چنان که در فاصله سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۸ شیوع این پدیده ۲۰ برابر شده است و میانگین سنی دختران فراری از ۱۶ سال به ۱۴ سال کاهش یافته است.

نتایج مربوط به مطالعات آسیب‌های اجتماعی در مورد آسیب سازان این پدیده نشان می‌دهد که آسیب سازی در انحصار مردان نیست و زنان نیز در پدید آوردن این قبیل رفتارها سهمی در خور توجه دارند.^(۱)

* مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی،

مدرس دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان گیلان

۱۵۱۵۴۵۵۰۰۰...

۱- خبرها و گزارش‌ها «ویژه دانشگاه‌ها - سال چهارم شماره ۶۶» ۱۵ تیر ماه سال ۱۳۸۳ - نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.